

بررسی روند دگرگونی ارزشی در ایران (۱۳۵۳-۱۳۸۸)

محمد رضا طالبان^{۱*}، محمد مبشری^۲، مصطفی مهرآیین^۳

(تاریخ دریافت ۸۹/۴/۹، تاریخ پذیرش ۸۹/۷/۱۳)

چکیده

در این مقاله روند تحول ارزش‌های اجتماعی جامعه ایران در تحقیقات انجام گرفته از سال ۱۳۵۳-۱۳۸۸ بررسی شده است. انقلاب اسلامی با اتکا به ارزش‌های معنوی و متعالی به پیروزی رسید و پس از انقلاب نیز نظام سیاسی برآمده از آن درصدد گسترش و تعمیق هر چه بیشتر این ارزش‌ها برآمد؛ بنابراین شناخت تغییرات احتمالی ارزش‌های اجتماعی جامعه ایران در طول این سال‌ها از اهمیت بسزایی برخوردار است. این مطالعه بر اساس تحلیل ثانوی نتایج پیمایش‌های ملی سال‌های ۱۳۵۳-۱۳۸۸، به بررسی روند تغییرات ارزش‌های اجتماعی جامعه ایران در این بازه زمانی پرداخته و مهم‌ترین نتایج آن به این شرح است: ۱. میزان اهمیت ارزش‌های مادی برای جامعه ایران از دهه پنجاه تا دهه سوم انقلاب افزایش داشته است؛ ۲. نسبت اهمیت بیشتر شاخص‌های ارزش‌های معنوی از دهه پنجاه تا دهه سوم انقلاب کاهش یافته است؛ ۳. میزان اهمیت ارزش‌های مادی و معنوی برای گروه سنی پنجاه به بالا (جوانان قبل از انقلاب) بیشتر از گروه سنی جوانان امروزی است.

واژه‌های کلیدی: دگرگونی ارزشی، ارزش، ارزش‌های اجتماعی، ارزش‌های مادی، ارزش‌های فرامادی، ایران.

*qtalebani@yahoo.com

۱. استادیار جامعه‌شناسی پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی

۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

۳. استادیار جامعه‌شناسی

طرح مسئله

انقلاب اسلامی ایران که در سال ۱۳۵۷ش / ۱۹۷۹م تحقق یافت، به نظر بسیاری از اندیشمندان و صاحب‌نظران با تکیه بر دین و ارزش‌های متعالی به پیروزی رسید. این انقلاب به‌مثابه انفجاری عظیم و تحول‌آفرین در دو دهه پایانی قرن بیستم، بسیاری از باورهای جهانی را به‌ویژه در حوزه مسائل سیاسی و اجتماعی دگرگون کرد و با نقش‌آفرینی دین و معنویت آینده‌ای جدید و امیدوارکننده پیش‌روی جهانیان به‌ویژه مسلمانان گشود.

از دیدگاه فرهنگی، شاید یکی از عللی که مردم ایران را به قیام و انقلاب برای براندازی نظام شاهنشاهی سوق داد آن بود که رژیم شاه روشی در پیش گرفته بود که با ارزش‌های موردقبول مردم از جمله ارزش‌های دینی و مذهبی در تعارض بود. برای نمونه می‌توان به سخت‌گیری بر روحانیان و متدینان، فساد دربار، رواج مفاسد اخلاقی همچون بی‌بندوباری، قماربازی، فحشاء و ... اشاره کرد. مردم ایران که دارای اعتقادات و فرهنگ دیرینه اسلامی بودند، به یک‌باره شاهد تهی شدن جامعه از ارزش‌ها و هویت خودی شدند؛ از این‌رو در صدد برآمدند از تداوم این روند جلوگیری کنند. افزایش گروه تحصیل‌کرده و بالا رفتن سطح آگاهی‌های مردم و نسل جدید، آن‌ها را متوجه این فرایند تضعیف هویت کرد (ر.ک عشقی، ۱۳۷۹). به این ترتیب، جامعه ایران قبل از انقلاب با نابسامانی در نظام ارزشی خود روبه‌رو شده بود و مردم، علت این نابسامانی را در رفتار رژیم حاکم می‌دیدند. در واقع، آنچه بیش از مشکلات اقتصادی بر مردم تأثیر می‌گذاشت، تغییر ساختار فرهنگی ایران بود که تحت تأثیر فرهنگ غربی، معیارهای مذهبی و اخلاقی و فرهنگی ایرانیان مسلمان را نشانه گرفته بود. بدین ترتیب، تحولات ارزشی در جامعه قبل از انقلاب یکی از علل واکنش مردم ایران به حاکمیت محمدرضا شاه و ظهور انقلاب بود. انقلاب اسلامی ایران نیز با تغییر در نظام ارزشی جامعه برپا شد. ارزش‌های معنوی همچون ساده‌زیستی، قناعت و ایثار بر ارزش‌های مادی غلبه یافت و نظام اجتماعی و سیاسی دگرگون شد.

با پیروزی انقلاب اسلامی، ارزش‌های فرامادی یا معنوی اهمیت خود را بازیافت و ارزش‌های مادی در نظر مردم بی‌ارج شد. بنابراین با توجه به اینکه رهبران انقلاب، انقلاب

بررسی روند دگرگونی ارزشی در ایران ... _____ محمدرضا طالبان و همکاران

اسلامی را انقلاب ارزش‌ها دانسته‌اند که با اتکا به ارزش‌های معنوی و متعالی به پیروزی رسید و بعد از انقلاب نیز نظام جمهوری اسلامی درصدد گسترش و تعمیق هرچه بیشتر این ارزش‌ها برآمد؛ سؤال اصلی تحقیق این است که همگام با جهت‌گیری نظام جمهوری اسلامی مبنی بر تحقق و تداوم ارزش‌های مورد تأکید این انقلاب، ارزش‌های اجتماعی جامعه ایران در طول این سال‌ها چه تغییراتی داشته است؟

سؤال‌های تحقیق

۱. روند تحول ارزش‌های اجتماعی جامعه ایران از دهه پنجاه تا دهه سوم انقلاب چگونه بوده است؟
۲. روند تحول ارزش‌های اجتماعی بین گروه سنی جوانان امروزی با گروه سنی جوانان قبل از انقلاب در زمان حاضر چگونه بوده است؟

چارچوب مفهومی

برای تجزیه و تحلیل منظم و دقیق داده‌ها و توصیف و تبیین علمی هر پدیده، به چارچوب نظری^۱ یا چارچوب مفهومی^۲ نیاز است تا بر مبنای آن، متغیرها و مقوله‌های مربوط به آن پدیده و چگونگی ارتباط آن‌ها با هم مشخص و سپس داده‌ها براساس آن‌ها توصیف و تحلیل شود (Nachmias, 1981: 40-41). از آنجا که در این پژوهش ارزش‌های اجتماعی جامعه ایران طی دهه‌های اخیر در مقایسه با دهه پنجاه بررسی می‌شود، لازم است قبل از تشخیص انواع و ابعاد ارزش‌های اجتماعی، ابتدا به تعریف و تصریح مفهومی دو واژه ارزش و ارزش‌های اجتماعی پرداخته شود.

ارزش

مفاهیم علوم اجتماعی محل مناقشه صاحب‌نظران است و به همین دلیل تعریف‌ها و برداشت‌های زیادی از این مفاهیم وجود دارد که مفهوم ارزش نیز از این قاعده مستثنا نیست. آلن بیرو در فرهنگ علوم اجتماعی می‌نویسد:

1. Theoretical Frame Work
2. Conceptual Frame Work

ارزش یکی از واژگانی است که دارای غنی‌ترین، پیچیده‌ترین و مشکل‌ترین معناهاست. **فرهنگ واژگان فلسفی** لالاند نیز چهار معنای متمایز در ارتباط با چهار ویژگی اشیاء برای آن می‌یابد:

الف) اینکه تا چه حد این اشیاء مورد علاقه و مطلوب فرد و یا مطابق معمول گروهی از افراد معین هستند؛

ب) اینکه تا چه حد این اشیاء شایستگی تحسین و مطلوبیت را دارند؛

پ) اینکه تا چه حد هدفی را برمی‌آورند؛

ت) اینکه در گروهی خاص و زمانی ویژه، در برابر این اشیاء چه مقدار کالایی که معیار سنجش ارزش به‌شمار می‌آید داده می‌شود.

در این تعریف‌ها کیفیت اشیاء مطرح است؛ اما کیفیت خاص آنان نه به‌خودی‌خود، بلکه آن‌طور که افراد آنان را با توجه به منافع که در آنان می‌بینند و ارزیابی می‌کنند، تعیین‌کننده ارزش است. در واقع ارزش میزان توانایی شیئی (چیز، اندیشه یا شخص) در ارضای میل، نیاز و یا تمناهای انسانی است؛ پس ارزش را باید در اندیشه‌های انسانی جست‌جو کرد که نفع (ارزش) شیء خارجی را ارزیابی می‌کند. به‌طور کلی، زمانی که گفته می‌شود واقعتی دارای اهمیت است، به‌طور ضمنی پذیرفته شده است که هدفی مطلوب را تحقق می‌بخشد. اندیشیدن در باب ارزش، به معنای اندیشیدن در باب آن چیزی است که مطلوب شناخته می‌شود، خواه در سطح سرنوشت جامعه، خواه در سطح سرنوشت فردی و این نوعی علم اخلاق یا دانشی است که موضوع آن، ارزیابی یا قضاوت و در نتیجه تمیز خوب و بد از یکدیگر است (بیرو، ۱۳۷۵: ۴۴۴-۴۴۵).

اولسون^۱ (۱۹۹۱) «ارزش را مجموعه‌ای از پنداشت‌های اساسی نسبت به آنچه پسندیده است می‌داند که تجلی عمیق‌ترین احساسات مشترک نسبت به جهان‌ها در جامعه هستند.» (چلبی، ۱۳۷۵: ۶۰). از نظر جانسون، ارزش‌ها «الگوی اجتماعی هستند که در حد پذیرششان توسط گروهی از افراد، مبنایی برای ایجاد انتظارات مشترک و معیاری برای هدایت و تنظیم رفتار فراهم می‌کنند.» (جانسون، ۱۳۶۳: ۳۷). از دیدگاه روکیچ^۲، ارزش، عقیده یا باور نسبتاً

1. Olson
1. Rokeach

پایداری است که فرد با تکیه بر آن، یک شیوه رفتاری خاص یا یک حالت غایی را که شخصی یا اجتماعی است، به یک شیوه رفتاری خاص یا یک حالت غایی وجود که در نقطه مقابل حالت برگزیده قرار دارد، ترجیح می‌دهد (Feather, 1975: 3). به نظر شفر، ارزش یعنی ادراک‌های جمعی از آنچه که در هر فرهنگی خوب و مطلوب و سودمند و یا بد و نامطلوب و ناسودمند پنداشته می‌شود (Schaefer, 1983: 59). گی روشه، جامعه‌شناس کانادایی می‌نویسد: «شیوه‌ای از بودن با عمل که یک شخص با یک جمع به‌عنوان آرمان می‌شناسد و افراد یا رفتارهایی که بدان نسبت داده می‌شوند مطلوب و مشخص می‌سازد، ارزش نام دارد.» (روش، ۱۳۷۰: ۷۶). شوارتز^۱ نیز بر این باور است: «ارزش را می‌توان به‌عنوان اهداف مطلوب با اهمیت‌های متفاوت و منبعی برای درک آرزوها و اصولی دانست که هدایت‌گر جوامع، نهادها و افراد می‌باشند.» (ندیمی، ۱۳۷۷: ۴).

مروری بر این تعریف‌ها حاکی از آن است که برخی اندیشمندان ارزش را امری ذهنی دانسته و آرزوها و خواسته‌ها، نیازها، گرایش‌ها، منافع و فرهنگ‌ها را تعیین‌کننده ارزش‌ها به‌شمار آورده‌اند. در مقابل، عده‌ای بر این باورند که ارزش‌ها بیرون از ما وجود دارد و این، بها و ویژگی هر چیزی است که سبب داوری ما درباره ارزش نهادن به آن می‌شود و از این نظر ارزش‌ها را عینی می‌دانند. مطلوب و مثبت بودن در کنار مطلوب نبودن و منفی بودن ارزش‌ها نیز در تعریف‌ها دیده می‌شود. بنابراین به‌طور خلاصه، ارزش یعنی هر آنچه فرد یا گروه آن را خوب و مطلوب و سودمند و یا بد و نامطلوب و ناسودمند می‌دانند.

ارزش‌های اجتماعی

از نظر ریتزر، (۱۳۷۴: ۷۳) ارزش‌های اجتماعی در زمره واقعیات اجتماعی غیرمادی به‌شمار می‌روند. ارزش‌های اجتماعی که در ارتباط با نهادهای اجتماعی و فرهنگ مفهوم پیدا می‌کند، واقعیاتی است که هریک از اعضا با آن‌ها سروکار دارد. هرچیزی که جامعه به آن ارزش نهد، ارزش اجتماعی است و از این‌رو در مقابل ارزش فردی قرار می‌گیرد (محسنی، ۱۳۷۴: ۲۵۱). بر

اساس تعریف اسملسر^۱، ارزش‌های اجتماعی از نوع استانداردهای فرهنگی است که اهداف کلی مطلوب برای زندگی اجتماعی سازمان‌یافته را مشخص می‌کند. ارزش‌های اجتماعی تدارک‌گر مفهوم نهایی و مشروعیت انتظامات اجتماعی و رفتارهاست (محسنی، ۱۳۷۹: ۵۹۷). *دایره‌المعارف تطبیقی علوم اجتماعی* ارزش‌های اجتماعی را این‌گونه تعریف کرده است: ارزش‌های اجتماعی اهداف و مقاصد مطلوب و موردنظر جامعه است؛ به دیگر سخن آنچه موردنظر و مطلوب هر جامعه است و افراد برای دستیابی به آن می‌کوشند (شایان‌مهر، ۱۳۸۰: ۱۳۳).

از نظر جامعه‌شناسی، ارزش‌های اجتماعی به عوامل و عناصری اطلاق می‌شود که اکثریت جامعه به اهمیت و اعتبار آن پی برند. در واقع ارزش‌های اجتماعی به صورت واقعیات و اموری درآمده‌اند که نیازهای مادی و معنوی افراد جامعه را برآورده می‌کنند. به بیان دیگر، هر چیزی که برای نظام اجتماعی مورد نیاز، محترم، مقدس، خواستنی و مطلوب تلقی شود، جزء ارزش‌های آن جامعه است. درستکاری، احترام به حقوق دیگران، احترام به بزرگ‌ترها و مانند آن نمونه‌هایی از ارزش‌های اجتماعی است (شایان‌مهر، ۱۳۷۹: ۴۸). بنابراین با در نظر گرفتن آنچه در تعریف ارزش‌های اجتماعی آمد، ارزش اجتماعی هر چیزی است که جامعه آن را خوب و مطلوب و سودمند و یا بد و نامطلوب و ناسودمند بدانند.

انواع و ابعاد ارزش‌ها

دانشمندان علوم اجتماعی طبقه‌بندی‌های متفاوتی از ارزش‌ها ارائه کرده‌اند؛ اما در این پژوهش به مقتضای اهداف و محدودیت‌های روش‌شناختی آن، به‌ویژه در نوع داده‌ها، مدل مفهومی مناسب آن بر اساس طبقه‌بندی ارزش‌ها در تحقیقات رفیع‌پور و اینگلهارت انتخاب شده است. اینگلهارت و رفیع‌پور با طبقه‌بندی ارزش‌ها و تعیین سنج‌های ارزشی سعی داشتند روند دگرگونی ارزشی را نشان دهند. اینگلهارت بر اساس مطالعات مربوط به «پیمایش‌های نوسان‌سنج اروپا»، «پیمایش‌های ارزش‌های جهانی» و نیز «مطالعات طولی»، تفاوت‌های بین‌فرهنگی در زمینه گرایش‌های اصلی مردم جوامع مختلف و تفاوت نسل‌ها در زمان دگرگونی فرهنگی را بررسی

1. N. j. Smelser

کرد. او برای سنجش ارزش‌های شهروندان اروپایی، آن‌ها را به دو دسته مادی و فرامادی تقسیم کرد. ارزش‌های مادی که بر نیازهای زیستی و امنیتی فرد مبتنی‌اند، به‌طور مستقیم با حیات طبیعی او ارتباط دارند؛ اما ارزش‌های فرامادی با ارضای نیازهای فزاینده‌ی انسان در ارتباط هستند. اینگلهارت دوازده سنجه ارزشی را در نظر گرفت که شش سنجه آن به ارزش‌های مادی و شش سنجه نیز به ارزش‌های غیرمادی مربوط بود. شش مقوله‌ای که ارزش‌های مادی را شامل می‌شد: حفظ نظم در کشور، مبارزه با افزایش قیمت‌ها، حفظ آهنگ سریع رشد اقتصادی، اطمینان از اینکه کشور نیروهای دفاعی نیرومندی دارد، حفظ اقتصاد باثبات و مبارزه با تبهکاری. شش مقوله‌ای که برای ارزش‌های فرامادی در نظر گرفته شد: اعطای حق بیشتر به مردم در تصمیم‌گیری‌های دولت، دفاع از آزادی بیان، اعطای حق بیشتر به مردم در تصمیم‌گیری‌های مربوط به کار و اجتماع، کوشش در جهت زیباتر سازی شهرها، حرکت به سوی جامعه‌ای دوستانه‌تر و انسانی‌تر، حرکت به سوی جامعه‌ای که ارزش اندیشه‌ها در آن بیش از پول است (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۸۳).

رفیع‌پور نیز برای سنجش تغییر ارزش‌های جامعه ایران طی سه دوره زمانی ۱۳۵۶، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۱ ارزش‌ها را به دو دسته مادی و مذهبی تقسیم کرد و پس از تعیین ابعاد ارزش، برای سنجش تغییر ارزش‌های مذهبی از چهار مقوله بهره برد: اعتقاد به دین، علاقه به روحانیت، رعایت حجاب و احترام به زنان چادری. او با استفاده از تکنیکی روش‌شناختی موسوم به «هنجار ذهنی» به سنجش تغییرات ارزشی افراد در این سه دوره زمانی پرداخت (توکلی، ۱۳۷۸: ۱۵۳).

بررسی این دو دیدگاه در باب تقسیم‌بندی ارزش‌ها نشان می‌دهد هر دو طبقه‌بندی یک تقسیم‌بندی کلی دارند و دارای دو بعد ارزشی کلی هستند. همچنین هر دو طبقه‌بندی به دلیل تقسیم‌بندی کلی، برای بیان روند تغییرات در دوره‌های زمانی موردنظر مناسب می‌نمایند. اما این دو طبقه‌بندی تفاوت‌هایی نیز دارند: مبنای تقسیم‌بندی رفیع‌پور برخلاف تقسیم‌بندی اینگلهارت مشخص نیست. در طبقه‌بندی اینگلهارت برای هر کدام از ابعاد مادی و فرامادی ارزش‌ها شش سنجه ارزشی در نظر گرفته شده است؛ درحالی‌که در طبقه‌بندی رفیع‌پور برای بعد مادی ارزش‌ها مؤلفه‌ای در نظر گرفته نشده است. مؤلفه‌های ارزشی بعد فرامادی ارزش‌ها

در تقسیم‌بندی اینگلهارت و رفیع‌پور به لحاظ مضمون و محتوا کاملاً با همدیگر متفاوت است؛ به‌گونه‌ای که در تقسیم‌بندی اینگلهارت شاخص‌های بعد فرامادی ارزش‌ها ماهیت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دارند؛ ولی در تقسیم‌بندی رفیع‌پور شاخص‌ها کاملاً ماهیت دینی دارند. بنابراین برای اینکه این نارسایی‌ها و محدودیت‌ها به حداقل برسد، این دو طبقه‌بندی را به اقتضای موضوع و نیاز تحقیق با هم درآمیختیم و در نهایت، طبقه‌بندی ارزش‌ها را به صورت ارزش‌های مادی و فرامادی/ معنوی تعریف کردیم و مبنای تحقیق قرار دادیم.

تعریف نظری مفاهیم

- ارزش‌های مادی^۱: تمام امور وابسته به حیات (بقا و زنده بودن) انسان‌ها و جوامع که هر فرد، گروه یا جامعه آن را خوب و مطلوب و سودمند و یا بد و نامطلوب و ناسودمند می‌داند.
- ارزش‌های فرامادی^۲: تمام امور وابسته به کیفیت و چگونگی زندگی انسان‌ها و جوامع که هر فرد، گروه یا جامعه آن را خوب و مطلوب و سودمند و یا بد و نامطلوب و ناسودمند می‌داند.

تعریف عملیاتی مفاهیم

- ارزش‌های مادی: این ارزش دارای دو مؤلفه اصلی امنیت و اقتصاد است. برای مقوله ارزشی امنیت، شاخص‌های امنیت و سلامتی تعیین شده است. اما مقوله ارزشی اقتصاد شامل شاخص‌های خردتری: پول و ثروت، رفاه و آسایش، مقام و شهرت است.
- ارزش‌های فرامادی: ارزش‌های فرامادی (معنوی) شامل سه بعد اصلی: ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است. ارزش‌های فرهنگی شامل مؤلفه‌های استمداد از دین و اخلاقیات (گذشت، صداقت و راست‌گویی، امانت‌داری، انصاف، خیرخواهی و کمک به دیگران، پایبندی به قول و قرار و احترام به آبرو) است. ارزش‌های اجتماعی شامل مؤلفه‌های رضایت از زندگی، اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی، و ارزش‌های سیاسی شامل مؤلفه مشارکت سیاسی است.

1. Material Values
2. Nonmaterial Values

روش تحقیق

این تحقیق به روش تحلیل ثانوی انجام گرفته است. تحلیل ثانوی، تحلیل جدیدی از داده‌هایی است که به منظور دیگری گردآوری شده‌اند. هاکیم^۱ تحلیل ثانوی را این‌گونه تعریف می‌کند: «هر تحلیل بعدی از مجموعه اطلاعات موجودی است که تفسیر، نتیجه‌گیری یا شناختی افزون بر گزارش اول یا متفاوت با آن ارائه می‌دهد.» (بیکر، ۱۳۷۷: ۳۰۷).

واحد تحلیل این تحقیق، کشور (ایران) و واحد مشاهده کشور ایران/ سال در طول یک دوره ۳۵ ساله از سال ۱۳۵۳-۱۳۸۸ است.

روش گردآوری و تحلیل داده‌ها

روش گردآوری داده‌ها، اسنادی است و از پیمایش‌هایی استخراج شده که در سطح ملی انجام گرفته است. روش تحلیل داده‌ها نیز آماره‌های توصیفی و تحلیل رگرسیون است. در ادامه به معرفی اجمالی این تحقیقات می‌پردازیم:

داده‌های سال ۱۳۵۳ از تحقیقی با نام *گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در ایران* استخراج شده که علی‌اسدی بر روی ۴ هزار و ۲۰ نفر در سطح شهر و روستا انجام داده است. داده‌های سال ۱۳۷۴ از تحقیقی با نام *بررسی نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی- فرهنگی در ایران* استخراج شده که منوچهر محسنی بر روی ۳ هزار و ۵۴۰ نفر از کسانی که در مناطق شهری زندگی می‌کردند، انجام داده است.

داده‌های سال ۱۳۷۹ برگرفته از پیمایش ملی *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان* (موج اول) است که وزارت فرهنگ و ارشاد بر روی افراد ساکن در مراکز استان‌ها انجام داده است. حجم نمونه این پیمایش حدود ۱۷ هزار نفر بوده است.

داده‌های سال ۱۳۸۱ حاصل پژوهش وسیع ملی بر روی ۷۵ هزار و ۳۰۱ نفر از جوانان شهری و روستایی کشور (یکایک استان‌ها و مراکز کل استان‌های کشور) است که سازمان ملی جوانان آن را انجام داده است.

داده‌های سال ۱۳۸۲ برگرفته از پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج دوم) است که وزارت فرهنگ و ارشاد بر روی ۵ هزار نفر از افراد ساکن در مراکز استان‌ها انجام داده است. داده‌های سال ۱۳۸۳ از تحقیقی با عنوان پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های جوانان ایران گرفته شده که سازمان ملی جوانان بر روی ۱۵ هزار و ۵۶۰ نفر از جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال کشور انجام داده است.

داده‌های سال ۱۳۸۴ از پیمایش فرهنگ سیاسی ایرانیان گرفته شده که مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) بر روی ۴ هزار و ۸۷۹ نفر از افراد ساکن شهرها و روستاهای کشور انجام داده است.

داده‌های سال ۱۳۸۵ از تحقیقی با عنوان سنجش سرمایه اجتماعی جوانان ایران گرفته شده که میرطاهر موسوی بر روی ۴ هزار و ۵۰۰ نفر از جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال کشور انجام داده است. داده‌های سال ۱۳۸۸ نیز برگرفته از تحقیقی با نام پیمایش دینداری در ایران است که محمدرضا طالبان برای مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) بر روی ۴ هزار و ۹۳۷ نفر از افراد شهری و روستایی کشور انجام داده است.

محدودیت روش

تحلیل ثانوی، تحلیل جدیدی از داده‌هایی است که به منظور دیگری گردآوری شده‌اند. البته تحلیل ثانوی موانع و محدودیت‌هایی هم دارد؛ از جمله اینکه ممکن است اطلاعات کافی برای مسئله تحقیقی خاص موجود نباشد و اغلب پرسش‌های مطرح شده در پیمایش‌های پیشین کاملاً پرسش‌های موردنظر محقق هم نباشد. بنابراین، در این روش دریافت‌ها و نتیجه‌گیری‌ها به اطلاعات و داده‌های موجود محدود است و نمی‌توان به تمام ابعاد موردنظر تحقیق دست یافت.

این مقاله نیز با توجه به اینکه از روش تحلیل ثانویه برای بررسی و مقایسه مقولات ارزشی در بازه زمانی معین بهره برده است، محدودیت‌هایی دارد:

۱. مضمون گویه‌ها و درصد گزینه‌های پاسخ تحقیق سال ۱۳۵۳ با سال‌های دیگر اختلاف بزرگی دارد؛ به گونه‌ای که در بسیاری از موارد هنگام مقایسه داده‌ها با تغییرات و نوسان‌های چشمگیری روبه‌رو می‌شویم. این تغییرات بیش از آنکه معرّف تغییر ارزش موردنظر باشد، به احتمال زیاد به علت تفاوت گویه و گزاره‌های دهه پنجاه با گویه‌های دهه‌های دوم و سوم انقلاب است که در واقع روایی تحقیق را مورد تردید قرار می‌دهد. بنابراین در تحلیل نتایج باید احتیاط کرد و توجه کرد که هرگونه نتیجه تحلیلی کاملاً بر اعتبار یافته‌های سال ۱۳۵۳ مبتنی است.

۲. اگرچه طرح مسئله با تحلیل زمینه‌های انقلاب اسلامی آغاز شده و تهدید یا نادیده گرفته شدن ارزش‌های دینی از اصلی‌ترین دلایل آن ذکر شده است، عملاً در تحلیل یافته‌های تجربی به این بخش توجه کافی نشده است. این مسئله نیز ناشی از محدودیت‌های ذاتی روش تحلیل ثانویه است؛ بیشتر شاخص‌های ارزش‌های دینی در تحقیقات و پیمایش‌های ملی صورت گرفته در اختیار نویسندگان نبوده است تا بتوان آن‌ها را به صورت طولی مقایسه کرد و به یک ارزیابی نسبی در مورد روند تغییرات آن در بازه زمانی موردنظر دست یافت. به‌ویژه تحقیق سال ۱۳۵۳ که مؤلفه‌های ارزش‌های دینی در آن مطرح نشده بود؛ گفتنی است که پژوهش سال ۵۳ مبنای تحقیق برای بررسی و مقایسه مقولات ارزشی به شکل طولی است.

۳. با توجه به اینکه تحقیق سال ۵۳ به لحاظ روش شناختی با تحقیقات و پیمایش‌های انجام شده در دهه‌های دوم و سوم انقلاب تفاوت دارد، همین مسئله می‌تواند تاحدی در تحلیل نتایج و یافته‌های تحقیق تأثیر گذارد و به این ترتیب تفاوت‌های مشاهده شده را در بررسی و مقایسه مقولات ارزشی در بازه زمانی موردنظر توجیه کند که لازم است به این مسئله نیز توجه شود. ۴. در این مقاله به دلیل زیاد شدن حجم آن، جدول‌های گویه‌ها و داده‌های پیمایش‌های موردبررسی نیامده و بیشتر به ارائه داده‌ها از طریق نمودارها و تفسیر آن‌ها بسنده شده است. بنابراین از یک سو بخشی از محدودیت‌های روشی یادشده در این تحقیق گریزناپذیر است و از سوی دیگر، با توجه به آنچه گفته شد، هیچ‌گونه قطعیتی در تحلیل و تفسیر نتایج این تحقیق وجود ندارد و همواره نتایج و یافته‌های پژوهش با احتیاط تحلیل و تفسیر می‌شود.

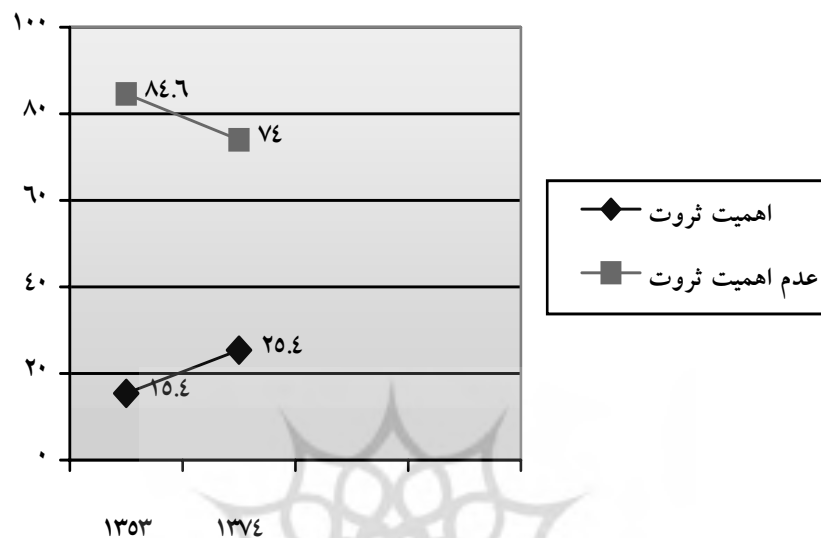
یافته‌های تحقیق

در این قسمت با توجه به داده‌هایی که از سال ۱۳۵۳-۱۳۸۸ در اختیار داریم، مؤلفه‌های ارزشی را در بازه زمانی مورد نظر بررسی می‌کنیم. در هر مورد برای مقایسه پذیر کردن داده‌ها و تفسیر نتایج، گزینه‌های پاسخ را دویاره، و با هم مقایسه می‌کنیم. برای تحلیل داده‌های شاخص‌هایی که بیش از دو نقطه زمانی در مورد میزان آن شاخص‌ها در دسترس است، از روش رگرسیون حداقل مربعات معمولی بهره می‌گیریم و با توجه به مقدار b (شیب رگرسیون) نتایج را تحلیل می‌کنیم. با استفاده از این روش، تفاوت موجود میان سال‌های مورد بررسی را از نظر شاخص مورد نظر اندازه‌گیری می‌کنیم. مقدار b یا شیب خط رگرسیون نشان‌دهنده میزان تغییر در این بازه زمانی است. بدیهی است که هرچه مقدار b بیشتر باشد، شیب خط رگرسیون تندتر و تغییرات در این بازه زمانی شدیدتر بوده است. اما داده‌های بعضی شاخص‌ها را فقط در دو نقطه زمانی در اختیار داریم؛ در این صورت به‌ناچار داده‌ها را از روی نمودار خطی و آمار و ارقام مربوط به این شاخص‌ها توصیف می‌کنیم.

۱. مقایسه ارزش‌های مادی برای تمام سنین در قبل و بعد از انقلاب

۱-۱. اهمیت ثروت

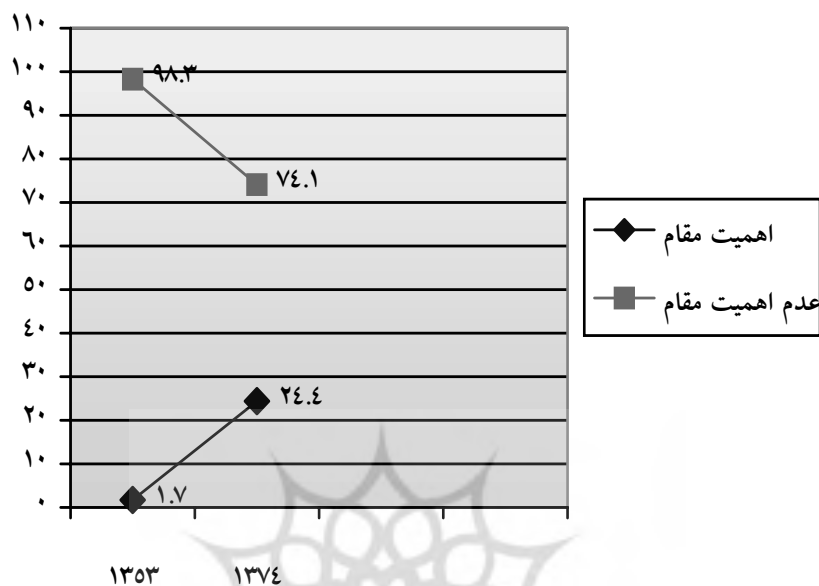
تحلیل نتایج گویای این است که میزان اهمیت ثروت از ۱۵/۴ درصد در سال ۱۳۵۳ به ۲۵/۴ درصد در سال ۱۳۷۴ افزایش یافته است. همچنین میزان اهمیت نداشتن ثروت از ۸۴/۶ درصد در سال ۱۳۵۳ به ۷۴ درصد در سال ۱۳۷۴ کاهش پیدا کرده است. در مجموع می‌توان با احتیاط گفت میزان اهمیت ثروت در بازه زمانی ۱۳۵۳-۱۳۷۴ به میزان نسبتاً قابل توجهی افزایش داشته است.



شکل ۱ میزان اهمیت ثروت

۱-۲. اهمیت مقام

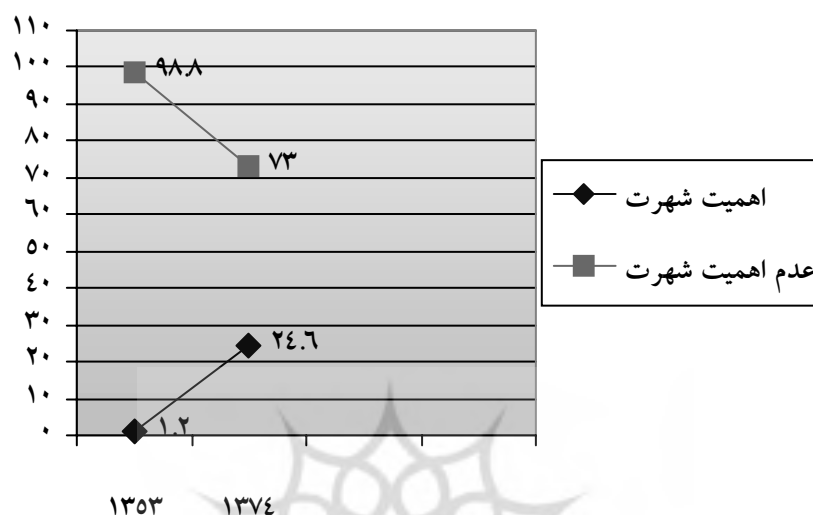
بررسی یافته‌ها نشان می‌دهد میزان اهمیت مقام در سال ۱۳۵۳ حدود ۱/۷ درصد و در سال ۱۳۷۴ حدود ۲۴/۴ درصد بوده است که بیان‌کننده روند افزایشی قابل توجهی است. میزان عدم اهمیت مقام نیز از ۹۸/۳ درصد در سال ۱۳۵۳ به ۷۴/۱ درصد در سال ۱۳۷۴ کاهش یافته است. در مجموع می‌توان با احتیاط گفت میزان اهمیت مقام در بازه زمانی ۱۳۷۴-۱۳۵۳ افزایش چشمگیری داشته است.



شکل ۲ میزان اهمیت مقام

۳-۱. اهمیت شهرت

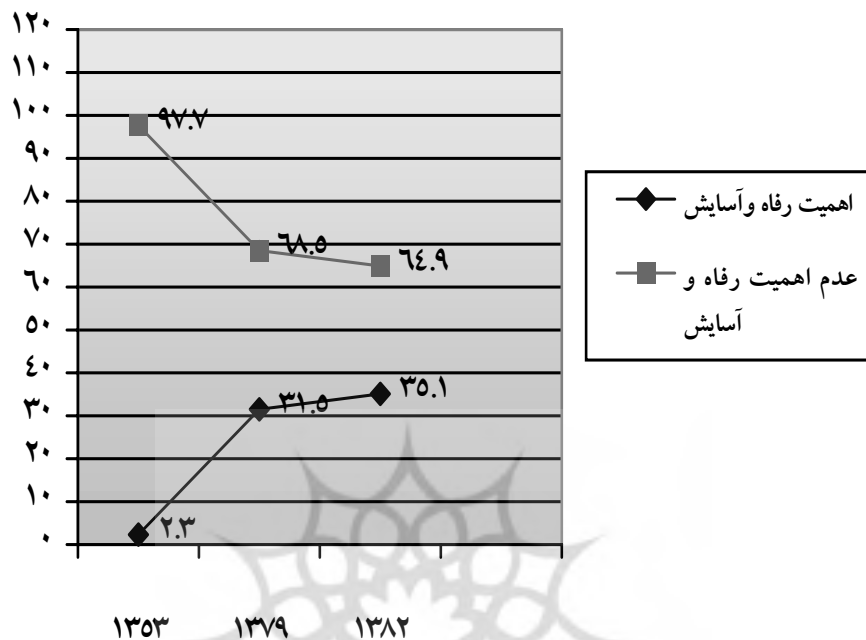
تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد میزان اهمیت شهرت در سال ۱۳۵۳ حدود ۱/۲ درصد و در سال ۱۳۷۴ حدود ۲۴/۶ درصد بوده است که نمودار روند افزایشی قابل توجهی است. همچنین نسبت کسانی که برای شهرت به میزان تاحدودی اهمیتی قائل بوده یا هرگز به آن اهمیت نمی‌داده‌اند، از ۹۸/۸ درصد در سال ۱۳۵۳ به ۷۳ درصد در سال ۱۳۷۴ کاهش پیدا کرده است. بنابراین می‌توان با احتیاط گفت میزان اهمیت شهرت در طول این سال‌ها افزایش چشمگیری داشته است.



شکل ۳ میزان اهمیت شهرت

۴-۱. اهمیت رفاه و آسایش

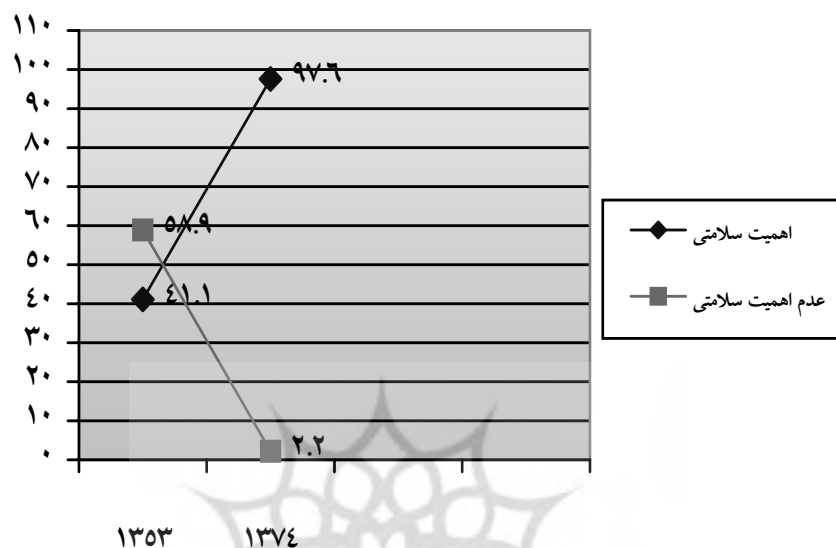
تحلیل نتایج گویای این است که میزان اهمیت رفاه و آسایش در سال ۱۳۵۳ حدود ۲/۳ درصد، در سال ۱۳۷۹ حدود ۳۱/۵ درصد و در سال ۱۳۸۲ حدود ۳۵/۱ درصد بوده است که نشان‌دهنده روند افزایشی بسیار زیادی است ($b = 1/13$). تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد میزان اهمیت رفاه و آسایش در طول این سال‌ها به‌طور چشمگیری افزایش داشته است. همچنین نسبت کسانی که برای مقوله رفاه به میزان تا حدودی یا کم اهمیت قائل بوده‌اند از ۹۷/۷ درصد در سال ۱۳۵۳ به ۶۸/۵ درصد در سال ۱۳۷۹ و به ۶۴/۹ درصد در سال ۱۳۸۲ کاهش پیدا کرده است. مقدار شیب رگرسیون برابر با $1/13$ است که این مطلب را نشان می‌دهد. بنابراین می‌توان با احتیاط نتیجه گرفت میزان اهمیت رفاه و آسایش از سال ۱۳۵۳-۱۳۸۲ افزایش بسیار زیادی داشته است.



شکل ۴ میزان اهمیت رفاه و آسایش

۱-۵. اهمیت سلامتی

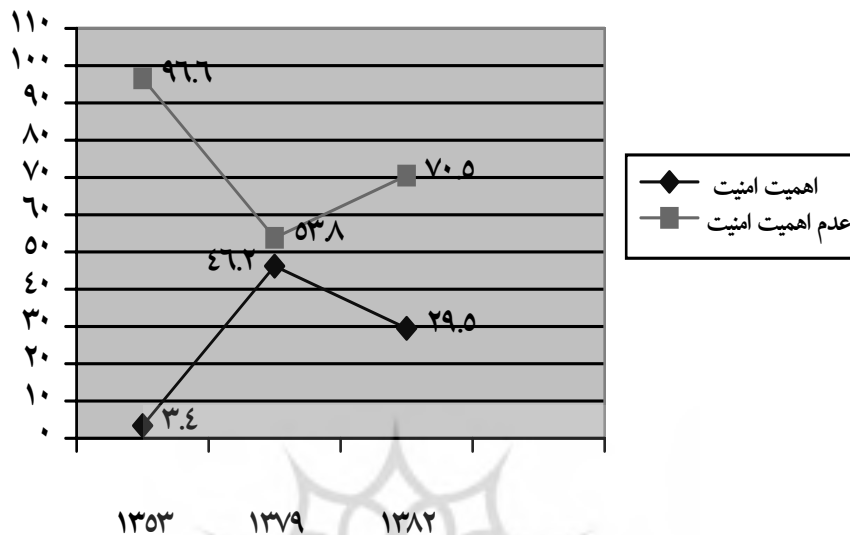
بررسی داده‌ها نشان می‌دهد میزان اهمیت سلامتی در سال ۱۳۵۳ حدود ۴۱/۱ درصد و در سال ۱۳۷۴ حدود ۹۷/۶ درصد بوده است که بیان‌کننده روند افزایشی چشمگیری است. اما نسبت پاسخ‌گویانی که برای سلامتی به میزان تا حدودی یا کم اهمیت قائل بوده‌اند از ۵۸/۹ درصد در سال ۱۳۵۳ به ۲/۲ درصد در سال ۱۳۷۴ کاهش یافته است. در مجموع می‌توان با احتیاط گفت میزان اهمیت سلامتی در طول این سال‌ها افزایش قابل توجهی داشته است.



شکل ۵ میزان اهمیت سلامتی

۱-۶. اهمیت امنیت

بررسی داده‌ها حاکی از این است که میزان اهمیت امنیت در سال ۱۳۵۳ حدود ۳/۴ درصد، در سال ۱۳۷۹ حدود ۴۶/۲ درصد و در سال ۱۳۸۲ حدود ۲۹/۵ درصد بوده است که نشان‌دهنده روند افزایش بسیار زیادی است. تحلیل رگرسیون و مقدار b به دست آمده (۱/۱۹) نیز روند افزایش را نشان می‌دهد. در عین حال نسبت کسانی که برای مقوله امنیت به نسبت تاحدودی یا کم اهمیت قائل بوده‌اند از ۹۶/۶ درصد در سال ۱۳۵۳ به ۵۳/۸ درصد در سال ۱۳۷۹ و به ۷۰/۵ درصد در سال ۱۳۸۲ کاهش پیدا کرده است. مقدار شیب رگرسیون برابر با ۱/۱۹- است که نشان می‌دهد میزان اهمیت نداشتن مقوله امنیت در طول این سال‌ها به‌طور چشمگیری کاهش پیدا کرده است. در مجموع می‌توان با احتیاط گفت میزان اهمیت امنیت در بازه زمانی ۱۳۵۳-۱۳۸۲ به نسبت بسیار زیادی افزایش یافته است.

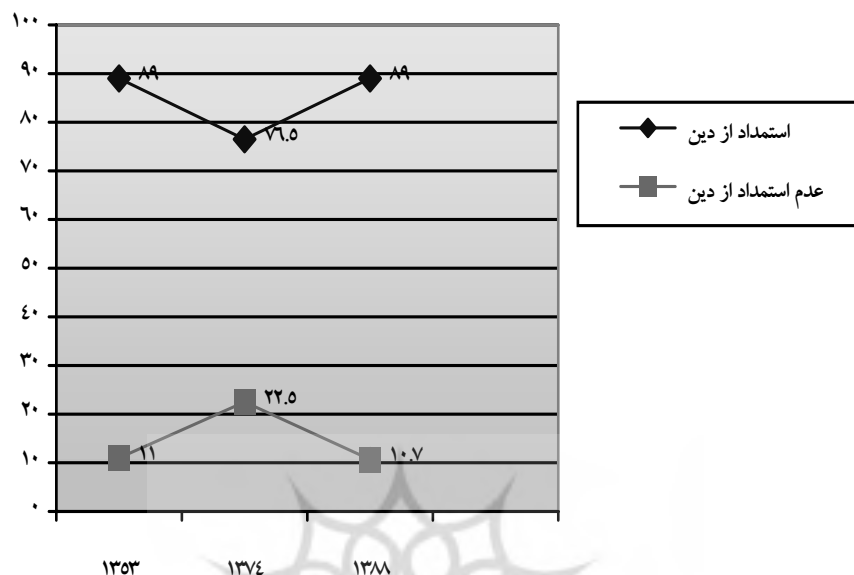


شکل ۶ میزان اهمیت امنیت

۲. مقایسه ارزش‌های فرامادی برای تمام سنین در قبل و بعد از انقلاب

۲-۱. استمداد از دین

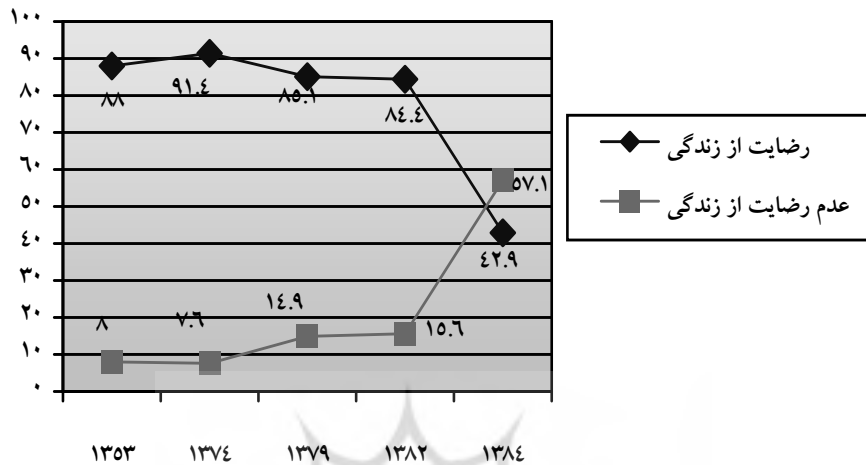
نتایج گویای این است که میزان استمداد از دین در سال ۱۳۵۳ برابر با ۸۹ درصد، در سال ۱۳۷۴ برابر با ۷۶/۵ درصد و در سال ۱۳۸۸ برابر با ۸۹ درصد بوده است. مقدار b یا شیب رگرسیون برابر با $-۰/۰۵$ است که نشان می‌دهد میزان استمداد از دین در طول این سال‌ها به میزان بسیار اندکی کاهش داشته است. در عین حال نسبت کسانی که کمتر از دین استمداد داشته و یا هرگز استمداد نداشته‌اند، در سال ۱۳۵۳ برابر با ۱۱ درصد، در سال ۱۳۷۴ برابر با ۲۲/۵ درصد و در سال ۱۳۸۸ برابر با ۱۰/۷ درصد بوده است. تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد میزان عدم استمداد از دین از سال ۱۳۵۳-۱۳۸۸ به میزان بسیار اندکی افزایش یافته است ($b = ۰/۰۴$).



شکل ۷ میزان استمداد از دین

۲-۲. رضایت از زندگی

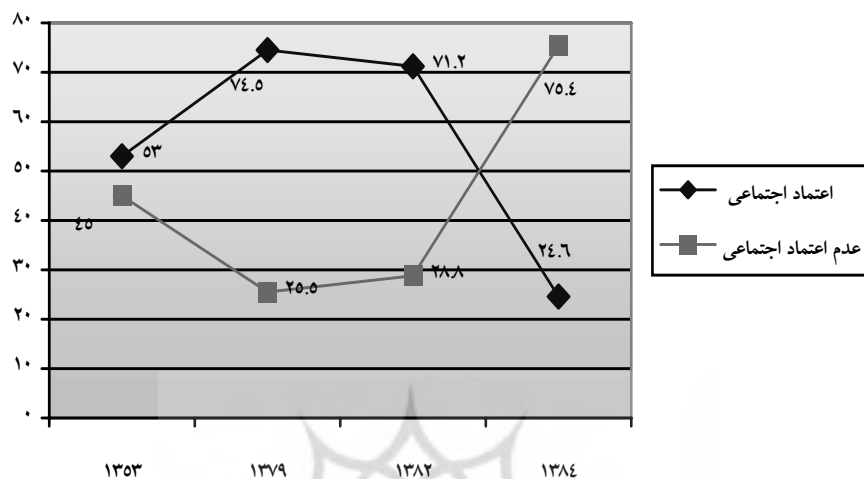
تحلیل نتایج نشان می‌دهد میزان رضایت از زندگی در سال ۱۳۵۳ برابر با ۸۸ درصد بوده است که این میزان در سال ۱۳۷۴ به ۹۱/۴ درصد، در سال ۱۳۷۹ به ۸۵/۱ درصد، در سال ۱۳۸۲ به ۸۴/۴ درصد و در سال ۱۳۸۴ به ۴۲/۹ درصد کاهش پیدا کرده است. مقدار b برابر با $-۰/۷۵$ است که نشان می‌دهد میزان رضایت از زندگی در طول این سال‌ها به‌طور متوسط کاهش یافته است. در عین حال نسبت کسانی که از زندگی به نسبت کم رضایت داشته و یا هرگز رضایت نداشته‌اند، در سال ۱۳۵۳ برابر با ۸ درصد، در سال ۱۳۷۴ برابر با ۷/۶ درصد، در سال ۱۳۷۹ برابر با ۱۴/۹ درصد، در سال ۱۳۸۲ برابر با ۱۵/۶ درصد و در سال ۱۳۸۴ برابر با ۵۷/۱ درصد بوده است. تحلیل رگرسیون گویای این است که میزان نارضایتی از زندگی در بازه زمانی ۱۳۵۳-۱۳۸۴ به‌طور متوسط افزایش پیدا کرده است ($b = ۰/۸۹$).



شکل ۸ میزان رضایت از زندگی

۲-۳. اعتماد اجتماعی

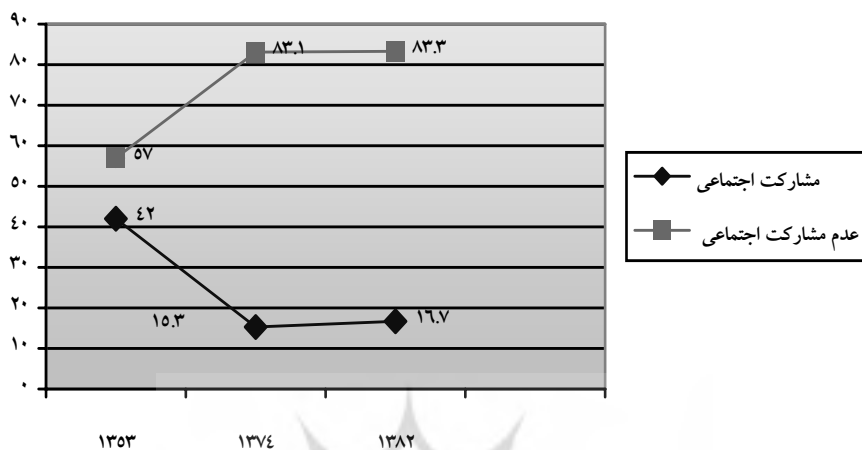
بررسی داده‌ها نشان می‌دهد میزان اعتماد اجتماعی در سال ۱۳۵۳ برابر با ۵۳ درصد بوده است. این میزان در سال ۱۳۷۹ به ۷۴/۵ درصد و در سال ۱۳۸۲ به ۷۱/۲ درصد افزایش؛ اما در سال ۱۳۸۴ به ۲۴/۶ درصد کاهش پیدا کرده است. مقدار b برابر با $-۰/۰۶$ و نشان‌دهنده روند کاهش اندکی است. نسبت کسانی که میزان اعتماد اجتماعی را به میزان کم یا هیچ ارزیابی کرده‌اند، در سال ۱۳۵۳ برابر با ۴۵ درصد بوده است. این میزان در سال ۱۳۷۹ به ۲۵/۵ درصد و در سال ۱۳۸۲ به ۲۸/۸ درصد کاهش یافته؛ اما در سال ۱۳۸۴ به ۷۵/۴ درصد افزایش پیدا کرده است ($b = ۰/۱۳$). تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد میزان عدم اعتماد اجتماعی در بازه زمانی ۱۳۵۳-۱۳۸۴ تا اندازه‌ای افزایش داشته است.



شکل ۹ میزان اعتماد اجتماعی

۲-۴. مشارکت اجتماعی

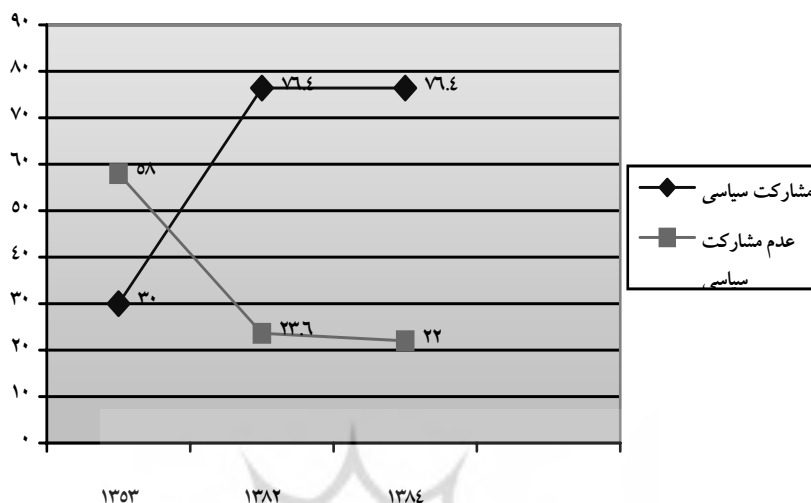
همان‌گونه که در شکل شماره نه مشاهده می‌شود، میزان مشارکت اجتماعی در سال ۱۳۵۳ برابر با ۴۲ درصد بوده است. این میزان در سال ۱۳۷۴ به ۱۵/۳ درصد و در سال ۱۳۸۲ به ۱۶/۷ درصد کاهش پیدا کرده است. مقدار b برابر با $۰/۹۵-$ است و نشان می‌دهد میزان مشارکت اجتماعی در طول این سال‌ها به‌طور متوسط کاهش داشته است. در عین حال نسبت کسانی که به میزان کم مشارکت اجتماعی داشته‌اند یا اصلاً نداشته‌اند در سال ۱۳۵۳ برابر با ۵۷ درصد بوده است. این میزان در سال ۱۳۷۴ به ۸۳/۱ درصد و در سال ۱۳۸۲ به ۸۳/۳ درصد افزایش یافته است. تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد میزان عدم مشارکت اجتماعی در بازه زمانی ۱۳۵۳-۱۳۸۲ به‌طور متوسط افزایش پیدا کرده است ($b = ۰/۹۷$).



شکل ۱۰ میزان مشارکت اجتماعی

۲-۵. مشارکت سیاسی

بررسی و تحلیل نتایج حاکی از این است که میزان مشارکت سیاسی در طول زمان افزایش داشته است. به گونه‌ای که میزان مشارکت سیاسی در سال ۱۳۵۳ برابر با ۳۰ درصد بوده و این میزان در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۴ به ۷۶/۴ درصد افزایش یافته است. تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد میزان مشارکت سیاسی در طول این سال‌ها به میزان بسیار زیادی افزایش یافته است ($b = 1/54$). در عین حال میزان عدم مشارکت سیاسی در سال ۱۳۵۳ برابر با ۵۸ درصد بوده است. این میزان در سال ۱۳۸۲ به ۲۳/۶ درصد و در سال ۱۳۸۴ به ۲۲ درصد کاهش یافته است. شیب رگرسیون برابر با $1/17$ است و نشان می‌دهد میزان عدم مشارکت سیاسی در بازه زمانی ۱۳۵۳-۱۳۸۴ کاهش چشمگیری داشته است.

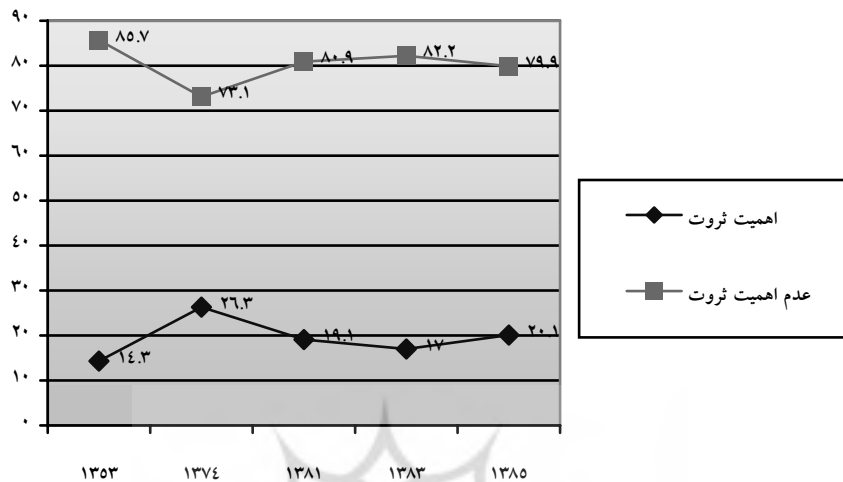


شکل ۱۱ میزان مشارکت سیاسی

۳. مقایسه ارزش‌های مادی برای گروه سنی جوانان در قبل و بعد از انقلاب

۳-۱. اهمیت ثروت

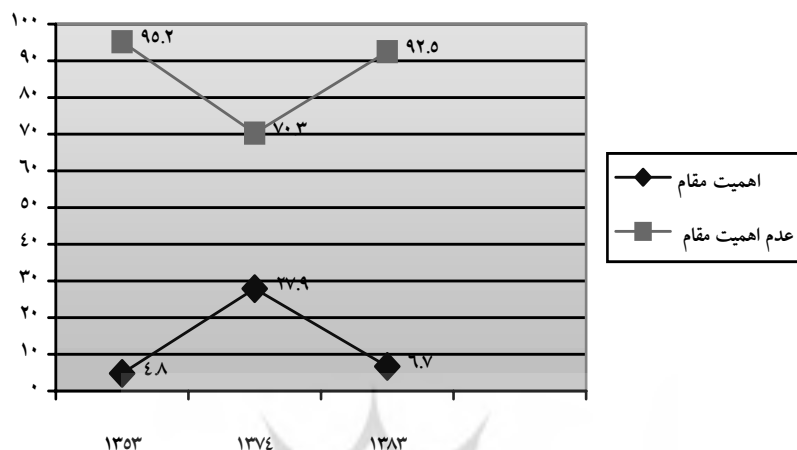
نتایج گویای این است که میزان اهمیت ثروت در سال ۱۳۵۳ برابر ۱۴/۳ درصد، در سال ۱۳۷۴ برابر با ۲۶/۳ درصد، در سال ۱۳۸۱ برابر ۱۹/۱ درصد، در سال ۱۳۸۳ برابر با ۱۷ درصد و در سال ۱۳۸۵ برابر با ۲۰/۱ درصد بوده است. تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد میزان اهمیت ثروت از سال ۱۳۵۳ - ۱۳۸۵ به‌طور متوسط افزایش یافته است. مقدار b برابر با $۰/۱۳$ است. همچنین میزان عدم اهمیت ثروت از ۸۵/۷ درصد در سال ۱۳۵۳ به ۷۳/۱ درصد در سال ۱۳۷۴، ۸۰/۹ درصد در سال ۱۳۸۱، ۸۲/۲ درصد در سال ۱۳۸۳ و به ۷۹/۹ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است. مقدار b یا همان شیب رگرسیون نشان می‌دهد میزان عدم اهمیت ثروت در طول این سال‌ها تا اندازه‌ای کاهش داشته است ($b = -۰/۱۴$).



شکل ۱۲ میزان اهمیت ثروت برای جوانان

۳-۲. اهمیت مقام

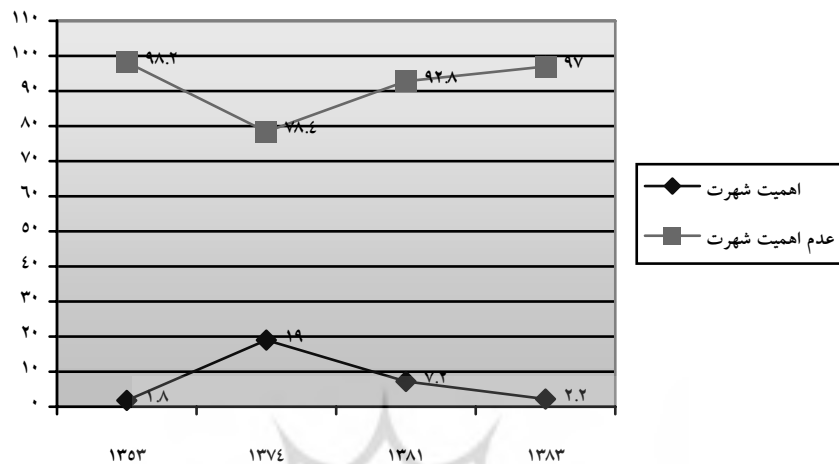
همان گونه که در نمودار بالا مشاهده می شود، میزان اهمیت مقام در سال ۱۳۵۳ برابر با ۴/۸ درصد، در سال ۱۳۷۴ برابر با ۲۷/۹ درصد و در سال ۱۳۸۳ برابر با ۶/۷ درصد بوده است. تحلیل رگرسیون نشان می دهد میزان اهمیت مقام در بازه زمانی ۱۳۵۳-۱۳۸۳ به طور متوسط افزایش داشته است. مقدار b برابر با ۰/۲۵ است. میزان عدم اهمیت مقام از ۹۵/۲ درصد در سال ۱۳۵۳ به ۷۰/۳ درصد در سال ۱۳۷۴ و ۹۲/۵ درصد در سال ۱۳۸۳ رسیده است. مقدار b یا همان شیب رگرسیون ۰/۲۸- است و نشان می دهد میزان عدم اهمیت مقام در طول این سال ها به طور متوسط کاهش پیدا کرده است.



شکل ۱۳ میزان اهمیت مقام برای جوانان

۳-۳. اهمیت شهرت

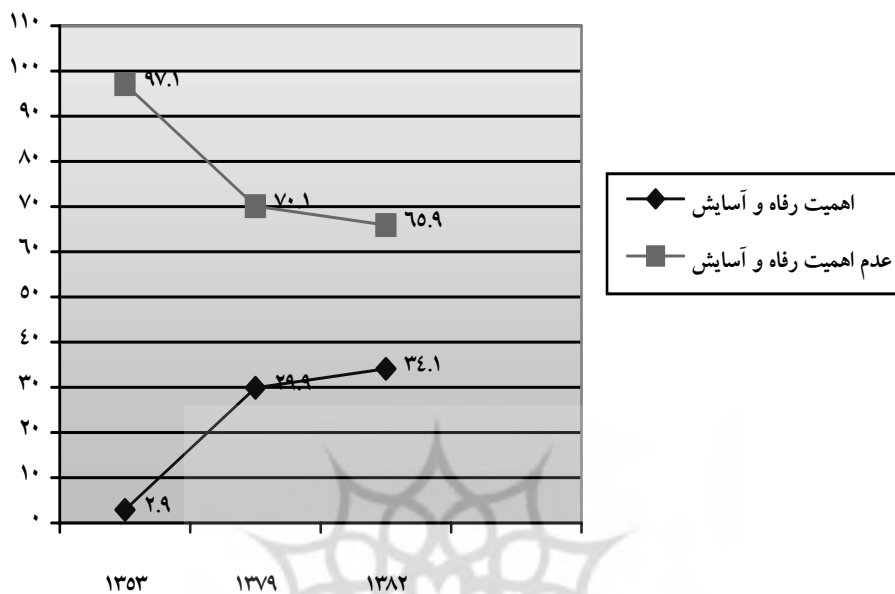
نتایج گویای این است که میزان اهمیت شهرت برای گروه سنی جوانان در سال ۱۳۵۳ برابر با ۱/۸ درصد، در سال ۱۳۷۴ ۱۹ درصد، در سال ۱۳۸۱ ۷/۲ درصد و در سال ۱۳۸۳ برابر با ۲/۲ درصد بوده است. مقدار شیب رگرسیون برابر با ۰/۱۳ است و نشان می‌دهد میزان اهمیت شهرت در طول این سال‌ها به‌طور متوسط افزایش یافته است. همچنین میزان عدم اهمیت شهرت در سال ۱۳۵۳ برابر با ۹۸/۲ درصد بوده است. این میزان در سال ۱۳۷۴ به ۷۸/۴ درصد، در سال ۱۳۸۱ به ۹۲/۸ درصد و در سال ۱۳۸۳ به ۹۷ درصد رسیده است. تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد میزان عدم اهمیت شهرت برای گروه سنی جوانان در بازه زمانی ۱۳۵۳-۱۳۸۳ به‌طور متوسط کاهش داشته است ($b = -0.15$).



شکل ۱۴ میزان اهمیت شهرت برای جوانان

۳-۴. اهمیت رفاه و آسایش

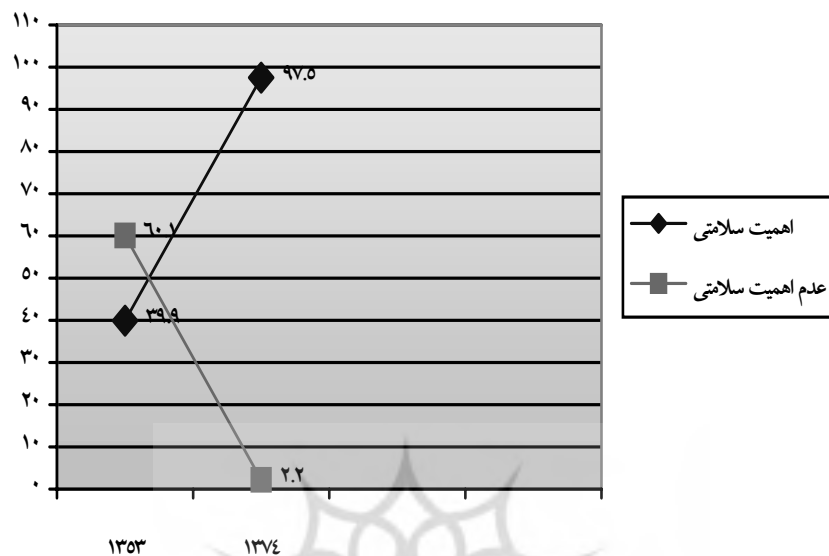
بررسی داده‌ها نشان می‌دهد میزان اهمیت رفاه و آسایش در سال ۱۳۵۳ برابر با $2/9$ درصد، در سال ۱۳۷۹ $29/9$ درصد و در سال ۱۳۸۲ برابر با $34/1$ درصد بوده است. مقدار b برابر با $1/06$ است و نشان می‌دهد میزان اهمیت رفاه و آسایش در طول این سال‌ها به میزان بسیار قابل توجهی افزایش داشته است. اما نسبت عدم اهمیت رفاه و آسایش در سال ۱۳۵۳ برابر با $97/1$ درصد، در سال ۱۳۷۹ $70/1$ درصد و در سال ۱۳۸۲ برابر با $65/9$ درصد بوده است. مقدار b یا همان شیب رگرسیون $1/06-$ است و نشان می‌دهد میزان عدم اهمیت رفاه و آسایش در بازه زمانی ۱۳۵۳-۱۳۸۲ کاهش چشمگیری داشته است.



شکل ۱۵ میزان اهمیت رفاه و آسایش برای جوانان

۳-۵. اهمیت سلامتی

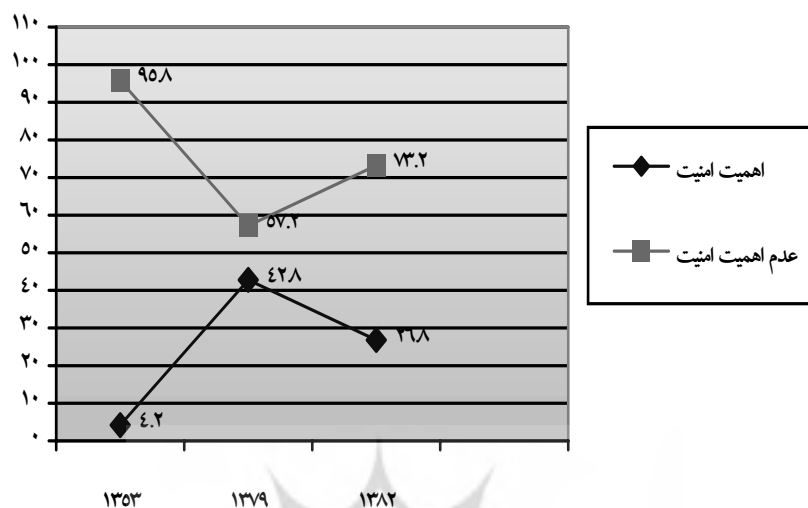
نتایج حاکی از آن است که میزان اهمیت سلامتی در سال ۱۳۵۳ برابر با ۳۹/۹ درصد بوده است و در سال ۱۳۷۴ به ۹۷/۵ درصد رسیده است. همچنین میزان عدم اهمیت سلامتی از ۶۰/۱ درصد در سال ۱۳۵۳ به ۲/۲ درصد در سال ۱۳۷۴ کاهش پیدا کرده است. در مجموع می‌توان با احتیاط گفت میزان اهمیت سلامتی از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۷۴ افزایش چشمگیری داشته است.



شکل ۱۶ میزان اهمیت سلامتی برای جوانان

۳-۶. اهمیت امنیت

بررسی داده‌ها گویای این است که میزان اهمیت امنیت در سال ۱۳۵۳ برابر با $\frac{4}{2}$ درصد، در سال ۱۳۷۹ $\frac{42}{8}$ درصد و در سال ۱۳۸۲ برابر با $\frac{26}{8}$ درصد بوده است. مقدار b یا شیب رگرسیون $\frac{1}{06}$ است و نشان می‌دهد میزان اهمیت امنیت در طول این سال‌ها به نسبت بسیار قابل توجهی افزایش یافته است. میزان عدم اهمیت امنیت در سال ۱۳۵۳ نیز برابر با $\frac{95}{8}$ درصد بوده است. این میزان در سال ۱۳۷۹ به $\frac{57}{2}$ درصد و در سال ۱۳۸۲ به $\frac{73}{2}$ درصد کاهش پیدا کرده است. مقدار b برابر با $\frac{1}{06}$ است و این روند کاهش را نشان می‌دهد. بنابراین می‌توان با احتیاط نتیجه گرفت میزان اهمیت امنیت در بازه زمانی ۱۳۵۳-۱۳۸۲ افزایش چشمگیری داشته است.

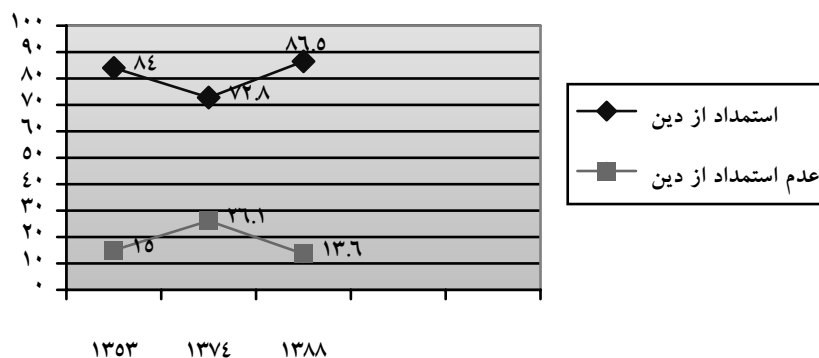


شکل ۱۷ میزان اهمیت امنیت برای جوانان

۴. مقایسه ارزش‌های فرامادی برای گروه سنی جوانان در قبل و بعد از انقلاب

۴-۱. استمداد از دین

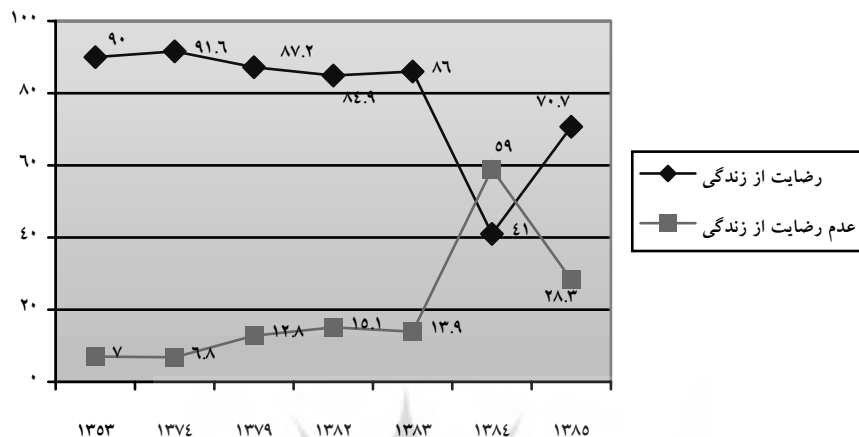
بررسی داده‌ها نشان می‌دهد میزان استمداد از دین در طول زمان افزایش یافته است. این میزان در سال ۱۳۵۳ برابر با ۸۴ درصد، در سال ۱۳۷۴ $۷۲/۸$ درصد و در سال ۱۳۸۸ برابر با $۸۶/۵$ درصد بوده است ($b = ۰/۰۳$). تحلیل رگرسیون گویای این است که میزان استمداد از دین در طول این سال‌ها افزایش بسیار اندکی داشته است. در عین حال گروه جوانانی که کمتر از دین استمداد داشته و یا هرگز استمداد نداشته‌اند، در سال ۱۳۵۳ برابر با ۱۵ درصد، در سال ۱۳۷۴ برابر با $۲۶/۱$ درصد و در سال ۱۳۸۸ برابر با $۱۳/۶$ درصد بوده است. مقدار b برابر با $۰/۰۰۵$ است و نشان می‌دهد میزان عدم استمداد از دین از سال ۱۳۵۳-۱۳۸۸ به نسبت بسیار ناچیزی افزایش یافته است.



شکل ۱۸ میزان استمداد از دین برای جوانان

۲-۴. رضایت از زندگی

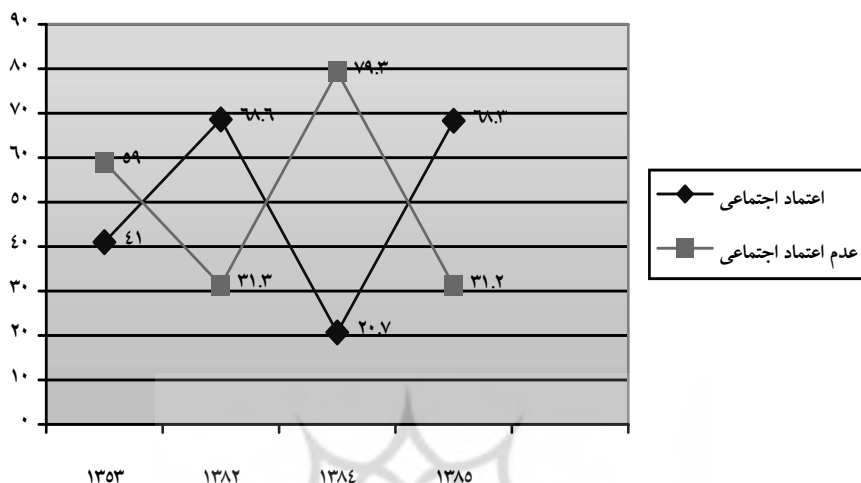
تحلیل نتایج حاکی از این است که میزان رضایت از زندگی در طول زمان کاهش یافته است. این میزان در سال ۱۳۵۳ برابر با ۹۰ درصد، در سال ۱۳۷۴ برابر با ۹۱/۶ درصد، در سال ۱۳۷۹ برابر با ۸۷/۲ درصد، در سال ۱۳۸۲ برابر با ۸۴/۹ درصد، در سال ۱۳۸۳ برابر با ۸۶ درصد، در سال ۱۳۸۴ برابر با ۴۱ درصد و در سال ۱۳۸۵ برابر با ۷۰/۷ درصد بوده است. مقدار b یا شیب رگرسیون ۰/۷۲- است و نشان می‌دهد میزان رضایت از زندگی در طول این سال‌ها به‌طور متوسط کاهش پیدا کرده است. در عین حال نسبت گروه جوانانی که از زندگی به میزان کم رضایت داشته و یا هرگز رضایت نداشته‌اند، در سال ۱۳۵۳ برابر با ۷ درصد بوده است؛ اما این میزان در سال ۱۳۷۴ به ۶/۸ درصد، در سال ۱۳۷۹ به ۱۲/۸ درصد، در سال ۱۳۸۲ به ۱۵/۱ درصد، در سال ۱۳۸۳ به ۱۳/۹ درصد، در سال ۱۳۸۴ به ۵۹ درصد و در سال ۱۳۸۵ به ۲۸/۳ درصد رسیده است. شیب رگرسیون برابر با ۰/۸۱ است و نشان می‌دهد میزان عدم رضایت از زندگی در بازه زمانی ۱۳۵۳-۱۳۸۵ به‌طور متوسط افزایش داشته است.



شکل ۱۹ میزان رضایت از زندگی برای جوانان

۳-۴. اعتماد اجتماعی

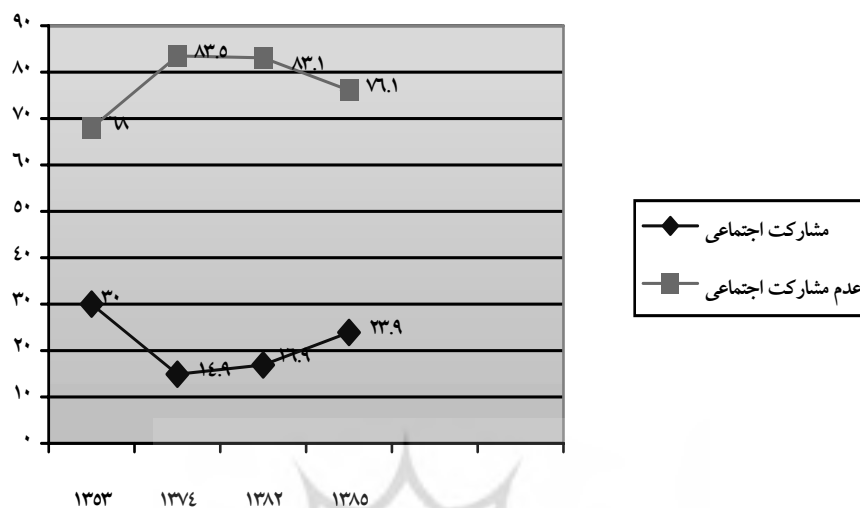
همان‌طور که در نمودار بالا مشاهده می‌شود، ارزیابی میزان اعتماد اجتماعی در سال ۱۳۵۳ برابر با ۴۱ درصد، در سال ۱۳۸۲ برابر با ۶۸/۶ درصد، در سال ۱۳۸۴ برابر با ۲۰/۷ درصد و در سال ۱۳۸۵ برابر با ۶۸/۳ درصد بوده است. مقدار شیب رگرسیون ۰/۳۵ است و نشان می‌دهد میزان اعتماد اجتماعی در طول این سال‌ها به‌طور متوسط افزایش داشته است. در عین حال نسبت گروه جوانانی که اعتماد اجتماعی را به میزان کم یا هیچ ارزیابی کرده‌اند، در سال ۱۳۵۳ برابر با ۵۹ درصد است. این میزان در سال ۱۳۸۲ به ۳۱/۳ درصد، در سال ۱۳۸۴ به ۷۹/۳ درصد و در سال ۱۳۸۵ به ۳۱/۲ درصد کاهش پیدا کرده است. مقدار b یا شیب رگرسیون برابر با $-۰/۳۶$ و گویای این است که میزان عدم اعتماد اجتماعی از سال ۱۳۵۳-۱۳۸۵ به‌طور متوسط کاهش یافته است.



شکل ۲۰ میزان اعتماد اجتماعی برای جوانان

۴-۴. مشارکت اجتماعی

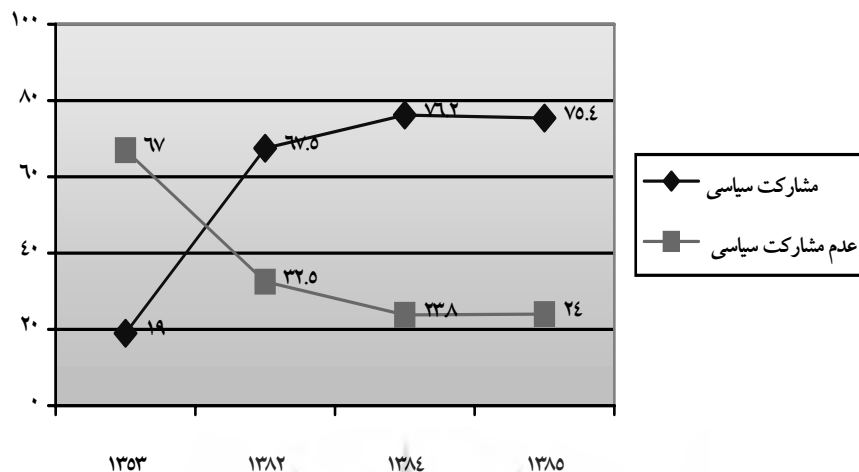
میزان مشارکت اجتماعی جوانان در سال ۱۳۵۳ برابر با ۳۰ درصد، در سال ۱۳۷۴ برابر با ۱۴/۹ درصد، در سال ۱۳۸۲ برابر با ۱۶/۹ درصد و در سال ۱۳۸۵ برابر با ۲۳/۹ درصد بوده است ($b = -۰/۳۱$). شیب رگرسیون نشان می‌دهد میزان مشارکت اجتماعی در طول این سال‌ها به‌طور متوسط کاهش داشته است. همچنین میزان عدم مشارکت اجتماعی در سال ۱۳۵۳ برابر با ۶۸ درصد، در سال ۱۳۷۴ برابر با ۸۳/۵ درصد، در سال ۱۳۸۲ برابر با ۸۳/۱ درصد و در سال ۱۳۸۵ برابر با ۷۶/۱ درصد بوده است ($b = ۰/۳۷$). تحلیل رگرسیون گویای این است که میزان عدم مشارکت اجتماعی در بازه زمانی ۱۳۵۳ - ۱۳۸۵ به‌طور متوسط افزایش یافته است.



شکل ۲۱ میزان مشارکت اجتماعی برای جوانان

۴-۵. مشارکت سیاسی

بررسی و تحلیل نتایج نشان می‌دهد میزان مشارکت سیاسی جوانان از سال ۱۳۵۳-۱۳۸۵ افزایش یافته است. این میزان در سال ۱۳۵۳ برابر با ۱۹ درصد، در سال ۱۳۸۲ ۶۷/۵ درصد، در سال ۱۳۸۴ ۷۶/۲ درصد و در سال ۱۳۸۵ برابر با ۷۵/۴ درصد بوده است. شیب رگرسیون برابر با ۱/۷۷ است و نشان می‌دهد میزان مشارکت سیاسی در طول این سال‌ها افزایش بسیار چشمگیری داشته است. در عین حال نسبت جوانانی که به میزان کم مشارکت سیاسی داشته و یا هرگز مشارکت نداشته‌اند، در سال ۱۳۵۳ برابر با ۶۷ درصد، در سال ۱۳۸۲ برابر با ۳۲/۵ درصد، در سال ۱۳۸۴ برابر با ۲۳/۸ درصد و در سال ۱۳۸۵ برابر با ۲۴ درصد بوده است ($b = -1/33$). تحلیل رگرسیون حاکی از این است که میزان عدم مشارکت سیاسی جوانان از سال ۱۳۵۳-۱۳۸۵ کاهش چشمگیری داشته است.



شکل ۲۲ میزان مشارکت سیاسی برای جوانان

جدول ۱ مقایسه شاخص‌های ارزش‌های مادی بین گروه سنی جوانان با گروه ۵۰ به بالا در سال ۱۳۸۲

شاخص	جوانان (۱۵-۲۹)	پنجاه سال به بالا
رفاه و آسایش	۵۹/۶	۶۳/۶
امنیت	۵۵/۷	۶۷/۲

بررسی و ارزیابی مقایسه‌ای شاخص‌های ارزش‌های مادی بین دو گروه سنی جوانان و پنجاه سال به بالا در حال حاضر، گویای این است که میزان اهمیت رفاه و آسایش و امنیت برای گروه سنی پنجاه سال به بالا بیشتر از گروه سنی جوانان امروز بوده است. همچنین مقایسه میانگین ارزش‌های مادی برای هر دو گروه سنی جوانان و پنجاه به بالا نشان می‌دهد این میانگین برای گروه سنی جوانان برابر با ۵۵/۷ درصد و برای گروه سنی پنجاه به بالا برابر با ۶۵/۴ درصد به دست آمده است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت نمره ارزش‌های مادی گروه سنی پنجاه به بالا بیشتر از گروه سنی جوانان امروز بوده است.

جدول ۲ مقایسه شاخص‌های ارزش‌های فرامادی بین گروه سنی جوانان با گروه پنجاه به بالا در سال ۱۳۸۲

شاخص	جوانان (۱۵-۲۹)	پنجاه سال به بالا
استمداد از دین	۹۹	۹۹/۲
گذشت	۴۴/۹	۴۷/۳
صداقت و راست‌گویی	۳۹/۸	۴۸/۴
خیرخواهی و کمک به دیگران	۶۳/۵	۶۴/۷
امانت‌داری	۶۲/۲	۵۴/۲
انصاف	۴۳/۹	۴۴/۹
پایبندی به قول و قرار	۵۱/۸	۵۲/۶
احترام به آبرو	۷۲/۶	۷۵/۲
رضایت از زندگی	۸۴/۹	۸۲/۲
اعتماد اجتماعی	۶۸/۶	۷۴/۸
مشارکت اجتماعی	۱۶/۹	۱۶/۴
مشارکت سیاسی	۶۷/۵	۸۷/۷

بررسی و ارزیابی مقایسه‌ای شاخص‌های ارزش‌های فرامادی بین دو گروه سنی جوانان و پنجاه سال به بالا در حال حاضر نشان می‌دهد:

۱. نسبت استمداد از دین برای هر دو گروه سنی جوانان و پنجاه سال به بالا تا اندازه‌ای یکسان بوده است.
۲. ارزیابی میزان رواج ارزش‌های اخلاقی گذشت، صداقت و راست‌گویی، خیرخواهی، کمک به دیگران، انصاف، پایبندی به قول و احترام به آبرو برای گروه سنی پنجاه به بالا بیشتر از گروه سنی جوانان است. در عین حال ارزیابی میزان رواج امانت‌داری برای گروه سنی جوانان بیشتر از گروه سنی پنجاه به بالاست.

۳. میزان ارزیابی مقولات رضایت از زندگی و مشارکت اجتماعی برای گروه سنی جوانان بیشتر از گروه سنی پنجاه به بالا است. در عین حال ارزیابی میزان اعتماد اجتماعی برای گروه سنی پنجاه به بالا بیشتر از گروه سنی جوانان امروز است.
۴. میزان مشارکت سیاسی برای گروه سنی پنجاه به بالا بیشتر از گروه سنی جوانان امروز است.

بررسی مقایسه‌ای میانگین ارزش‌های فرهنگی برای هر دو گروه سنی جوانان و پنجاه سال به بالا نشان می‌دهد میانگین ارزش‌های فرهنگی برای گروه سنی جوانان برابر با ۵۹/۷ درصد و برای گروه سنی پنجاه سال به بالا برابر با ۶۰/۸ درصد است؛ بنابراین می‌توان گفت نمره ارزش‌های فرهنگی گروه سنی پنجاه سال به بالا بیشتر از گروه سنی جوانان امروز بوده است. بررسی مقایسه‌ای میانگین ارزش‌های اجتماعی برای هر دو گروه سنی جوانان و پنجاه سال به بالا نشان می‌دهد میانگین ارزش‌های اجتماعی برای گروه سنی جوانان برابر با ۵۶/۸ درصد و برای گروه سنی پنجاه سال به بالا برابر با ۵۷/۸ درصد است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت نمره ارزش‌های اجتماعی گروه سنی پنجاه سال به بالا بیشتر از گروه سنی جوانان بوده است. بررسی مقایسه‌ای نسبت ارزش‌های سیاسی برای گروه سنی جوانان و گروه سنی پنجاه سال به بالا نشان می‌دهد این میزان برای گروه سنی جوانان برابر با ۶۷/۵ درصد و برای گروه سنی پنجاه سال به بالا برابر با ۸۷/۷ درصد است؛ بنابراین می‌توان گفت نمره ارزش‌های سیاسی گروه سنی پنجاه سال به بالا بیشتر از گروه سنی جوانان امروز بوده است.

نتیجه‌گیری

یافته‌های پیمایش‌های اجتماعی در ایران نشان می‌دهد روند تحول و دگرگونی ارزشی در جامعه ایران با تغییرات قابل‌انتظار در دوران انتقالی منطبق بوده و تغییرات مهمی داشته است. در دوران گذار و انتقالی جامعه ایران، این تغییرات ارزش‌های اجتماعی جامعه را نیز تحت تأثیر قرار داده است. بررسی و تحلیل نتایج نشان می‌دهد:

۱. به نظر می‌رسد میزان اهمیت ارزش‌های مادی از دهه پنجاه تا دهه سوم انقلاب روند گسترش قابل توجهی داشته است. این یافته با نتایج تحقیق منوچهر محسنی همسویی دارد؛ محسنی بر این باور است که جامعه در مسیر حرکت به سوی ارزش‌های مادی گرایانه است (محسنی، ۱۳۷۴: ۵۲۷).

۲. به نظر می‌رسد گرایش به سمت ارزش‌های مادی در بین گروه سنی جوانان نیز از دهه پنجاه تا سوم انقلاب به طور متوسط افزایش داشته است؛ بنابراین می‌توان گفت جوانان در معرض تغییر ارزش‌ها قرار دارند؛ آن‌هم نه حرکت به سمت ارزش‌های متعالی، بلکه بیشتر به ارزش‌های مادی گرایانه گرایش دارند. این یافته با نتایج تحقیق محسنی منطبق است؛ محسنی مدعی است ارزش‌های مادی گرایانه، واقع‌گرایانه و غیراجتماعی در نسل ۱۶-۲۴ ساله ایران در معرض رشد زیاد است (همان، ۵۲۷).

۳. به نظر می‌رسد نسبت ارزش‌های دینی برای جامعه ایران از دهه پنجاه تا سوم انقلاب، کاهش بسیار اندکی داشته است؛ در عین حال این میزان برای جوانان اندکی افزایش یافته است.

۴. به نظر می‌رسد ارزیابی مردم ایران از نسبت ارزش‌های اجتماعی (رضایت از زندگی، مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی) از دهه پنجاه تا سوم انقلاب تا اندازه‌ای کاهش داشته است. شاید بتوان علت سیر نزولی رضایت از زندگی را در دهه‌های اخیر، ناشی از احساس محرومیت نسبی مردم دانست. جامعه ایران در دهه‌های اخیر در معرض تحولات فرهنگی و اجتماعی و شیوه‌های جدید زندگی قرار گرفته است؛ بنابراین انتظارات و توقعات مردم زیاد شده است. بالا رفتن سطح توقعات و انتظارات شهروندان در شرایطی که امکانات و ظرفیت‌های ساختاری محدود کشور توان پاسخ‌گویی به این انتظارات را ندارد، احساس محرومیت یا ناکامی نسبی شهروندان را در پی خواهد داشت. این مسئله خود به نارضایتی منجر می‌شود و حتی ممکن است در درازمدت به خشونت مدنی بینجامد.

۵. به نظر می‌رسد ارزیابی جوانان از میزان شاخص‌های رضایت از زندگی و مشارکت اجتماعی از دهه پنجاه تا سوم انقلاب، به طور متوسط کاهش یافته؛ اما ارزیابی از میزان اعتماد اجتماعی

طی دهه‌های اخیر بهبود یافته است. این یافته نشان می‌دهد جوانان نسبت به گروه‌های دیگر جامعه به مردم و گروه‌های اجتماعی اعتماد بیشتری دارند.

۶. به نظر می‌رسد میزان مشارکت سیاسی مردم ایران و جوانان از دهه پنجاه تا دهه سوم انقلاب رشد قابل توجهی داشته است. بدیهی است که مشارکت سیاسی خود شاخصی از توسعه سیاسی است که می‌توان آن را از دستاوردهای مهم و بزرگ انقلاب اسلامی دانست.

۷. مقایسه ارزش‌های اجتماعی بین دو گروه سنی جوانان و گروه سنی پنجاه به بالا در حال حاضر نشان می‌دهد میزان اهمیت ارزش‌های مادی برای گروه سنی پنجاه سال به بالا بیشتر از گروه سنی جوانان امروز است. این یافته با نتایج تحقیق سراج‌زاده (۱۳۸۲) مطابقت دارد؛ او نشان داد اولویت ارزشی بیشتر دانشجویان ارزش‌های مادی (امنیت جانی و اقتصادی) است و ارزش‌های فرامادی (خودشکوفایی و دل‌بستگی به دیگران و...) در اولویت بعدی آن‌ها قرار دارد.

۸. میزان ارزیابی از نسبت بیشتر شاخص‌های ارزش‌های فرامادی برای گروه سنی پنجاه سال به بالا بیشتر از گروه سنی جوانان امروز بوده است. این یافته با دو فرضیه اینگلهارت تأیید نمی‌شود؛ زیرا این مطالعه نشان داد گرایش مادی و فرامادی مسن‌ترها (پنجاه سال به بالا) نسبت به جوانان بیشتر است. گفتنی است که بنابر فرضیه‌های اینگلهارت، اولویت‌های ارزشی فرد تحت تأثیر محیط اجتماعی و اقتصادی او است (محیط‌هایی که در زمان شکل‌گیری شخصیت در آن‌ها حضور داشته است)؛ یا اینکه شرایط و فرایند جامعه‌پذیری که در سال‌های قبل از بلوغ فرد حاکم بوده، تعیین‌کننده ارزش‌های اساسی فرد است.

به‌طور کلی، می‌توان با احتیاط نتیجه گرفت نسبت اهمیت ارزش‌های مادی از نظر مردم ایران از دهه پنجاه تا دهه سوم انقلاب افزایش چشمگیری داشته است؛ اما نسبت ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی از دهه پنجاه تا دهه سوم انقلاب به میزان قابل توجهی کاهش یافته است. به عبارت دیگر، بر اساس نتایج تحقیقات می‌توان گفت نظام جمهوری اسلامی بعد از انقلاب در دهه‌های اخیر، در زمینه تعمیق، گسترش و تداوم ارزش‌های متعالی و معنوی که انقلاب اسلامی برآمده از آن است، به‌ویژه در حوزه ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی، موفقیت

چشمگیری به دست نیاورده است. اما در حوزه ارزش‌های سیاسی در برخی شاخص‌ها در دهه‌های اخیر توفیق داشته؛ ولی در برخی دیگر موفقیت چندانی نداشته است. ارزیابی مقایسه‌ای ارزش‌های اجتماعی بین دو گروه سنی جوانان امروز با گروه سنی پنجاه سال به بالا (جوانان قبل از انقلاب) حاکی از این است که نسبت ارزش‌های مادی و فرامادی برای گروه سنی پنجاه به بالا بیشتر از گروه سنی جوانان امروز است. بنابراین، با اینکه گرایش مادی نسل جوان قبل از انقلاب (پنجاه سال به بالا) بیشتر از گروه سنی جوانان امروز است، گرایش فرامادی‌شان نیز از نسل جوان امروز بیشتر است. این یافته از یک سو برخلاف فرضیه اینگلهارت است که تغییر ارزش‌ها را به علت جایگزین شدن نسل جوانی که تحت شرایط خوب امنیت اجتماعی - اقتصادی رشد یافته‌اند توجیه می‌کند؛ از سوی دیگر با گذشت سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، نسل جوان قبل از انقلاب بیشتر از نسل جوان امروز به ارزش‌های انقلابی - مذهبی پایبندند؛ ضمن اینکه نباید از نظر دور داشت تفاوت میان این دو گروه سنی در این زمینه زیاد نیست.

منابع

- *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج اول)* یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور. (۱۳۸۰). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر انتشارات طرح پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها.
- اسدی، علی. (۱۳۵۶). *گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در ایران* گزارشی از یک نظرخواهی ملی در سال ۱۳۵۳. تهران: پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران.
- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۸۲). *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*. ترجمه مریم وتر. تهران: کویر.
- بیرو، آلن. (۱۳۷۵). *فرهنگ علوم اجتماعی*. ترجمه باقر ساروخانی. تهران: کیهان.
- بیکر، ترز. ال. (۱۳۷۵). *نحوه انجام تحقیقات اجتماعی*. ترجمه هوشنگ نابیی. تهران: روشن.
- توکلی، مهناز. (۱۳۷۸). «ارزش‌ها: مفاهیم و ابزارهای سنجش». *نامه پژوهش*. ش ۴ و ۱۵.
- جانسون، چالمرز. (۱۳۶۳). *تحول انقلابی*. ترجمه حمید الیاسی. تهران: امیرکبیر.
- چلبی، مسعود. (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی نظم*. تهران: نشر نی.

- روشه، گی. (۱۳۷۰). *کنش اجتماعی*. ترجمه هما زنجانی‌زاده. انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- ریتزر، جورج. (۱۳۷۴). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- سازمان ملی جوانان. (۱۳۸۴). *پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های جوانان ایران در سال ۱۳۸۳*. تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی، دفتر مطالعات و تحقیقات سازمان ملی جوانان.
- سازمان ملی جوانان. (۱۳۸۶). *ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتار سیاسی*. تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات.
- سراج‌زاده، حسین و فاطمه جواهری. (۱۳۸۲). *سنجش نگرش‌ها، رفتار و آگاهی‌های دانشجویان دانشگاه‌های دولتی*. دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- شایان‌مهر، علیرضا. (۱۳۷۹). *دایره‌المعارف تطبیقی علوم اجتماعی*. کتاب دوم. تهران: کیهان.
- _____ (۱۳۸۰). *دایره‌المعارف تطبیقی علوم اجتماعی*. کتاب سوم. تهران: کیهان.
- طالبان، محمدرضا. (۱۳۸۸). *پیمایش دینداری در ایران*. تهران: مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران.
- عشقی، لیلی. (۱۳۷۹). *زمانی غیرزمان‌ها* (امام، شیعه و ایران). ترجمه احمد نقیب‌زاده. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- محسنی، منوچهر. (۱۳۷۴). *جامعه‌شناسی عمومی*. تهران: طهوری.
- _____ (۱۳۷۹). *بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت پژوهشی و آموزشی، انتشارات اداره کل دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی.
- مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا). (۱۳۸۵). *پیمایش ملی فرهنگ سیاسی مردم ایران در سال ۱۳۸۴ تهران*.
- موسوی، میرطاهر. (۱۳۸۶). *سنجش سرمایه اجتماعی جوانان در ایران*. تهران: سازمان ملی جوانان، معاونت مطالعات و برنامه‌ریزی.
- ندیمی، حمیرا. (۱۳۷۶). *جایگاه دین در نظام ارزشی جوانان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. (۱۳۸۲). *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج دوم)* یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور. تهران: دفتر انتشارات طرح‌های ملی.

بررسی روند دگرگونی ارزشی در ایران ... _____ محمدرضا طالبان و همکاران

- سازمان ملی جوانان. (۱۳۸۲). *وضعیت، نگرش و مسائل جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله کل کشور*. تهران: سازمان ملی جوانان، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی، دفتر مطالعات و تحقیقات سازمان ملی جوانان.

- Nachmias, David and chava. (1981). *Research Methods in social science and Ed*. New York, martins press .
- Norman, feather. (1975). *Value in Education and Society*.
- Oxford. (1988). *Students Dictionary of Current English*. Second Edition. Oxford University Press..
- Schaefer, Richard. (1980). *Sociology*. New York MC Grow Hill Co.

